

## دیدگاه برنامه‌درسی اخلاق مدار با تکیه بر پرورش منش

ابراهیم میرشاه جعفری<sup>۱</sup> / افسانه کلباسی<sup>۲</sup>

### چکیده

عصر کنونی، عصر بحران‌ها و چالش‌های بنیان افکن است. بشر امروز برای رسیدن به تعادل روانی و موفقیت در روابط فردی و اجتماعی چاره‌ای جز روی آوردن به اخلاق و تربیت اخلاقی ندارد. امروزه رویکرد اخلاقی به منزله یکی از مهم‌ترین رویکردها در قلمرو برنامه‌ریزی درسی به شمار می‌رود. در این رویکرد، برنامه‌های درسی ابزاری مؤثر در رشد و توسعه فضایل اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی در فراگیران است و آنان را برای برخورد مناسب با مسائل و موضوعات جدید آماده می‌سازد. هدف این مقاله، بررسی رویکردهای اخلاقی و ارائه عناصر اصلی دیدگاه اخلاق‌مدار در برنامه‌درسی است.

باید آموزش اخلاق به منزله یک درس در برنامه درسی یا در ارتباط با دروس دیگر توسط دست‌اندرکاران تربیتی، به ویژه معلمان، مورد توجه قرار گیرد. برای تربیت اخلاقی می‌توان سه بعد شناختی، عاطفی و عملی در نظر گرفت. در این ابعاد، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی از حیث دانش، گرایش و عمل در فرد پدید می‌آید. کلید واژه‌ها: تربیت اخلاقی، برنامه درسی، پرورش منش.

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان. دریافت: ۸۸/۳/۳ - پذیرش: ۸۸/۵/۲۰

۲. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان. Afkalbasi@Yahoo.com

## مقدمه

در دوران رنسانس و پس از آن، با پیشرفت‌هایی که در زمینه علوم تجربی در کشورهای غربی به دست آمد، به تدریج توجه به آموزه‌های اخلاقی و به دنبال آن توجه به تربیت اخلاقی کمرنگ و حتی در مواردی نیز با اخلاق و فضایل اخلاقی مبارزه شد. اما به تازگی به سبب آسیب‌های جدی که از این ناحیه به سلامت جامعه و افراد وارد شده است، توجه به آموزش مسائل اخلاقی افزایش چشمگیری داشته است. یک فرد تربیت شده و فرهیخته به چه کسی اطلاق می‌شود؟ آیا فرد تربیت شده به فردی اطلاق می‌شود که جامعه معتقد است او اطلاعات مهمی دارد یا فرد تربیت شده کسی است که مهارت‌های کافی برای ایجاد یک زندگی خوب دارد؟

اخلاق جمع خلق است و در لغت بر صفت رسوخ یافته‌ای در نفس آدمی دلالت می‌کند که معمولاً کارها و افعال، متناسب و مطابق با آن صفت، بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر می‌گردد. اخلاق و تربیت اخلاقی، یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهد و به همین سبب این موضوع از دیر باز در فرهنگ‌ها مورد توجه بوده، و امروزه نیز در بسیاری از کشورها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بخش زیادی از آموزه‌های دینی ادیان مختلف را اخلاقیات تشکیل می‌دهد. تجربه بشری نشان می‌دهد که انسان هیچ‌گاه حتی در دوره مدرن و پسامدرن هم بی‌نیاز از تربیت اخلاقی نیست.

برنامه درسی باید بیش از گذشته در جهت‌گیری خود به آموزش باورها و ارزش‌های دینی و اخلاقی حساسیت نشان دهد. ایجاد مصونیت اعتقادی و ارزشی، در فضا و شرایطی که مصونیت فیزیکی منتفی و دست‌نیافتنی است، ضروری می‌باشد.<sup>۱</sup> همچنین، یکی از هدف‌های اساسی تربیتی، توجه به ارزش‌های انسانی و درک ارزش‌های اخلاقی و معنوی است.<sup>۲</sup>

هدف از مقاله حاضر، بررسی این مسئله است که چگونه برنامه‌ریزان درسی و معلمان می‌توانند در سازماندهی فعالیت‌ها، به گونه‌ای عمل کنند که دستیابی دانش‌آموزان به اهداف تعیین شده اخلاقی و درونی ساختن هر یک از ارزش‌های یاد شده به منزله جزیی جدایی‌ناپذیر از شخصیت دانش‌آموزان میسر شود. برای رسیدن به یک چارچوب عملی قابل استفاده در کلاس درس، باید به بررسی رویکردهای تربیت اخلاقی متعدد پرداخته شود. سپس بر اساس نقاط قوت هر رویکرد، دیدگاه مناسب برنامه‌دستی اخلاق‌مدار ارائه می‌گردد.

### تربیت اخلاقی در اسلام

نفس مسئله بعثت انبیا و نزول کتب آسمانی و به طور کلی مأموریتی که آنها برای هدایت و تربیت همه انسان‌ها داشتند، محکم‌ترین دلیل بر امکان تربیت و پرورش فضایل اخلاقی در تمام افراد بشر است. آیاتی مانند «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲) و آیات مشابه آن، به خوبی نشان می‌دهد که هدف از مأموریت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، هدایت و تربیت و تعلیم و تزکیه همه کسانی بود که در «ضلال مبین» (گمراهی آشکار) بودند. بنابراین، می‌توان گفت رشد و تربیت در اسلام، رشد و تربیت اخلاقی و ارزشی اوست.

در پژوهش‌هایی که در دوره معاصر در جهان اسلام درباره تربیت اخلاقی انجام شده است، می‌توان به دو رویکرد اشاره کرد: الف) رویکرد فلسفی: در این رویکرد، محقق دلالت‌های مکاتب فلسفی خاص در زمینه تربیت اخلاقی جهان اسلام را استخراج، و بر اساس آن نظریه‌ای درباره تربیت اخلاقی ارائه می‌کند؛ ب) رویکرد متنی: در این رویکرد، تربیت اخلاقی از منابع اسلامی، یعنی قرآن و

حدیث؛ کشف و استخراج می‌شود. رویکرد متنی را می‌توان در مقوله مستقلی به نام رویکرد دینی قرار داد. دانشمندان مسلمان مانند فیض کاشانی، در تربیت اخلاقی بیشتر به رویکرد نقلی و حدیثی تکیه کرده‌اند. روش برخورد قرآن با مقوله اخلاق و تربیت اخلاقی، نظر به وجه الله است. منطق ویژه قرآن کریم در تهذیب اخلاقی آن است که انسان‌ها را به آن درجه از اوصاف جمیله اخلاقی رهنمون سازد که دیگر هیچ محل و موضوعی برای رذایل اخلاقی باقی نماند. در مطالعه و بررسی متون اسلامی «تقوا» به معنای اجتناب از مواضع فساد، روح تمام اخلاقیات اسلامی را تشکیل می‌دهد. سراسر آموزه‌های قرآن و سنت و سیره معصومان نشان‌دهنده چنین اولیاتی است.

هنگامی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «من برای تکمیل فضایل و مکارم اخلاقی برانگیخته شدم»، باید توجه داشت که واژه «برانگیخته شدم» یک معنای اجمالی دارد و آن مبعوث شدن است و یک معنای تفصیلی دارد و آن اینکه ۲۳ سال برخورد با مشکلات، برای به پایان رساندن مکارم اخلاق بوده است. بی‌شک معنای رسالت پیامبر و نزول آیات قرآن و همه احادیث و روایات، برای اخلاق - انسان‌سازی - بوده است. با توجه به اینکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «انما بعثت معلما»، نقش تربیتی معلمان برای تحول در نظام تعلیم و تربیت و رشد اخلاقی در دانش‌آموزان بر اساس سیره پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله یکی از وظایف مهم آموزش و پرورش است. حضرت علی‌علیه‌السلام در وصیت‌نامه خود خطاب به امام حسن‌علیه‌السلام می‌فرمایند:

پسر! بدان محبوب‌ترین چیزی که از میان گفته‌هایم در این وصیت‌نامه به آن تمسک جویی، تقوا و پرهیزگاری است. پسرم خویشتن را معیار و مقیاس قضاوت

بین خود و دیگران قرار بده؛ پس آنچه را برای خود دوست می‌داری برای دیگران دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز مپسند. ستم مکن؛ همان‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود. نیکی کن؛ همان‌طور که دوست داری نسبت به تو نیکی کنند. برای خویشتن چیزی را زشت بدان که همان را برای دیگری قبیح می‌شماری؛ به همان چیز برای مردم راضی باش که برای خود می‌پسندی.<sup>۳</sup>

در حوزه مطالعات اخلاقی، بین اندیشمندان مسلمان می‌توان سه مکتب و مشرب عمده اخلاقی را مشاهده کرد که عبارت‌اند از: الف) اخلاق فیلسوفانه: توصیه اصلی این مکتب برای تربیت اخلاقی، اعتدال بخشیدن به قوای درونی است. این شیوه به دلیل مشکلاتی که برای تفسیر «اعتدال» دارد و همچنین عدم جامعیت آن در تفسیر و توجیه همه مفاهیم اخلاقی، نقد شده است؛ ب) اخلاق عارفانه: اخلاقی است که عارفان مروج آن بوده‌اند. محور این نوع اخلاق که بیشتر بر تربیت اخلاقی و سیر و سلوک تکیه دارد، مبارزه و مجاهده با نفس است؛ ج) اخلاق نقلی: یعنی اخلاقی که محدثان با نقل و نشر اخبار و احادیث در میان مردم به وجود آورده‌اند.

شیوه مورد قبول در اخلاق اسلامی، ترکیبی از ویژگی‌های مثبت موجود بین این سه مشرب است. بنابراین، سعی می‌شود اولاً اخلاق اسلامی از نظر شکل و محتوا در حد امکان بر اساس قواعد عقلانی و منطقی تنظیم و تبیین گردد؛ ثانیاً از دستاوردها و تجربیات عارفان در حد امکان استفاده شود و ثالثاً، ملاک و معیار داوری اخلاقی همواره قرآن و روایات باشد.<sup>۴</sup>

### رویکردهای تربیت اخلاقی

ارزش‌شناسی در زمینه اخلاقی به طور مستقیم با فعالیت‌های تربیتی ارتباط دارد. بی‌تردید ارزش‌ها، به ویژه ارزش‌های اخلاقی، رکن اساسی زندگی آدمی را

تشکیل می‌دهند. ارزش‌ها مانند دیگر امور، هم جنبه فردی دارند و هم در عرصه اجتماعی ظاهر می‌شوند.<sup>۵</sup> برای اینکه تربیت اخلاقی به طور مؤثر انجام گردد، آشنایی با رویکردهای تربیت اخلاقی و نحوه پرورش منش اخلاقی لازم و ضروری است. برخی از محققان ده رویکرد را در تربیت اخلاقی معرفی کرده است که عبارتند از:

۱. رویکرد غیرمستقیم یا رویکرد تلویحی و ضمنی: بدین معنا که عقاید مذهبی و ارزشی باید به صورت تلویحی و ضمنی در برنامه درسی گنجانده شود؛
۲. رویکرد مبتنی بر تأکید بر جنبه‌های ذهنی اخلاق و ارزش‌ها: رویکرد شناختی پیازه نمونه‌ای از این رویکرد است؛
۳. رویکرد اخلاق مراقبتی یا رویکرد مسئولیت اجتماعی؛
۴. رویکرد پیامدگرا: که به اثر و علت رفتارهای اخلاقی توجه دارند، نه به اصول و قواعد اخلاقی؛
۵. رویکرد الهیاتی: که رفتارهای اخلاقی را امری فراانسانی می‌داند؛
۶. رویکرد علمی:<sup>۶</sup> این رویکرد به آثار بیرونی و عینی رفتارهای اخلاقی توجه کرده و آن را ملاک داوری می‌داند؛
۷. رویکرد تبیین ارزش‌ها: این رویکرد معتقد است تنها باید ارزش‌ها را برای دانش‌آموزان تبیین کرد و از تلقین آنها خودداری کرد؛
۸. رویکرد تحلیل ارزش‌ها: این رویکرد معتقد است تنها باید دانش‌آموز بتواند چرایی ارزش‌های اخلاقی را توجیه کند و این بهترین راه برای آموزش اخلاق است؛
۹. رویکرد روان‌تحلیل‌گری:<sup>۸</sup> بر اساس این رویکرد، رفتارهای انسان ریشه در ناخودآگاه او دارد و باید تحریکات ناشی از آن کنترل شود؛

۱۰. یادگیری اجتماعی: این رویکرد معتقد است انسان از راه مشاهده رفتارهای تقویت شده، انجام رفتارهای اخلاقی را می‌آموزد. بنابراین، آموزش مستقیم، الگوسازی، تقلید و تقویت، نقش مهمی در تربیت اخلاقی دارند.<sup>۹</sup> با توجه به رویکردهای تربیت اخلاقی مزبور می‌توان دریافت که هر کدام از آنها از مکتب‌های حاکم بر فلسفه اخلاق یا از مکتب‌های روان‌شناسی رشد، به ویژه مکتب شناختی و اخلاقی و یا از نظریه خاصی در تربیت اخلاقی ناشی می‌شوند. هر کدام از این رویکردها دارای پیامدهای مثبت یا منفی مخصوص به خود می‌باشند؛ تا آنجا که هیچ کدام از آنها به تنهایی برای رسیدن به هدف مناسب نیست. بنابراین، برای تربیت اخلاقی نباید به یکی از این رویکردها بسنده کرد، بلکه به ترکیبی از رویکردها نیازمندیم. رفتارهای انسان افزون بر شناخت و آگاهی، از عوامل دیگری مانند عواطف و احساسات و نیز عوامل محیطی تأثیر می‌پذیرد.<sup>۱۰</sup>

### پرورش منش<sup>۱۱</sup> (شخصیت)

تحکیم شخصیت اخلاقی به منزله هدف اساسی در تعلیم و تربیت تلقی می‌گردد. پرورش منش یعنی کمک به دانش‌آموزان برای درونی‌سازی ساختن ارزش‌ها؛ به طوری که بدون حضور والدین و معلمان نیز قادر و راغب باشند به انتخاب‌های عاقلانه دست بزنند و بر اساس آنها عمل کنند.<sup>۱۲</sup> پرورش منش، تصورات واقعی و مثبت دانش‌آموزان، نگرش نسبت به دیگران، توانایی آنها در تصمیم‌گیری و ضرورت شرکت در فعالیت‌های اجتماعی را در آنها پرورش می‌دهد. پرورش منش، ارزش‌های معینی را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد. روش اساسی در این امر شامل اثرمتقابل قوانین انضباطی، فرآیند تفکر عقلانی و مشارکت دانش‌آموزان می‌باشد. پرورش منش به راه زندگی شکل می‌بخشد؛ تا جایی که ارزش‌های

اخلاقی را در - تفکر هر - فرد پرورش می‌دهد. بنابراین یک پرورش منش اثربخش، درک و احساس زندگی اخلاقی و همچنین به واقعیت پیوستن آن در عمل را شامل می‌گردد.<sup>۱۳</sup> در پرورش منش، تمام تلاش‌ها برای پرورش اخلاقیاتی چون دلسوزی، شهامت، تصمیم‌گیری، اعتماد، محبوبیت، وفاداری، مسئولیت‌پذیری و قابل احترام بودن به کار می‌رود. همچنین، یک منش ایدئال به کمک ارزش‌ها شناخته می‌شود. برای درونی شدن هر ارزش سه مرحله وجود دارد که عبارتند از: ۱. شناخت اخلاقی؛ ۲. احساس اخلاقی؛ ۳. عمل اخلاقی.

برای مثال، در مرحله شناخت اخلاقی، شخص برای منصف بودن باید معنای انصاف را بداند و ضرورت منصف‌بودن در روابط بین مردم را درک کند. اگر شخصی در موارد بی‌انصافی، از رنج بردن دیگران ناراحت می‌شود، احساس اخلاقی دارد و سرانجام اگر در روابط بین‌فردی منصفانه رفتار کند، عمل اخلاقی به شمار می‌آید.<sup>۱۴</sup> رفتار شخص، مقید به قراردادهای متفاوتی در گروه‌های مختلف است. گاهی به دلیل شرایط خاص محیطی، مطابق ارزش‌های خود عمل نمی‌کنیم و گاهی اوقات رفتاری انجام می‌دهیم که به ارزشی بودن آن اعتقادی نداریم. بنابراین، هر رفتاری، یا از خواسته‌های فرد و یا از ارزش‌های او ناشی می‌شود. هنگامی که ارتباط دقیقی بین شناخت، احساس (تمایل) و عمل فرد برقرار نشده باشد، آن ارزش درونی نشده است.<sup>۱۵</sup>

تمام فیلسوفان از افلاطون و ارسطو تا کانت و دیویی، بر اهمیت پرورش منش در اجتماع نظر داشته‌اند. در تربیت اخلاقی، معلمان به منزله الگوهای مثبت باید جو اخلاقی در کلاس ایجاد کنند و در برنامه درسی، فرصت‌هایی را برای معرفی یک منش اخلاقی خوب در محیط خارج از کلاس فراهم آورند. از سوی دیگر، شرایط خشک مدرسه، روش‌های تدریس خسته‌کننده، بی‌علاقگی معلمان و



سلامت اخلاقی معلمان می‌تواند تأثیرهای مثبت یا منفی بر شخصیت دانش‌آموز داشته باشد. با این نقطه‌نظر، تربیت اخلاقی باید تمام عوامل تأثیرگذار در آموزش را دربرگیرد.

### عناصر مهم در تربیت اخلاقی

در تربیت اخلاقی سه عنصر مهم وجود دارد: خانواده، مدرسه و اجتماع؛ خانواده اولین نهادی است که فرزند در آن به تدریج هویت کسب کرده، وارد زندگی اجتماعی می‌شود. پایه‌های منش اخلاقی فرد، در پنج سال اول زندگی بنا نهاده می‌شود. ارتباط بسیار اساسی بین روابطی که در خانواده، در سال‌های کودکی شکل می‌گیرد، با روابط با معلمان، دوستان و مدارس در طی سال‌های بعدی وجود دارد. استفاده والدین از سبک‌های تربیتی خاص مثل استدلال<sup>۱۶</sup> در مقابل اظهار قدرت،<sup>۱۷</sup> آثار متفاوتی بر درونی کردن ارزش‌ها و عقاید والدین توسط فرزندان دارد. درونی کردن ارزش‌ها، از روش‌های مختلف تربیت از جمله آموزش، الگودهی، تقویت رفتار مناسب و سازواره‌های محیطی - مانند اینکه رفتار مطلوب به طور طبیعی استنباط می‌شود - تأثیر می‌پذیرد. اعمال سبک‌های تربیتی مختلف و به تبع آن، درجه انتقال ارزش‌ها و هنجارهای والدین به فرزندان، از خصوصیات شخصیتی والدین تأثیر می‌پذیرد.<sup>۱۸</sup>

متغیرهایی که در جریان درونی شدن ارزشی معین و در نتیجه در تربیت اخلاقی فرزندان می‌توانند تأثیر بسزایی داشته باشند، سن، جنسیت و خلق و خوی فرزند، ثبات ارزش و اهمیت آن برای والدین، توافق بین پدر و مادر بر روی ارزش، روشنی و فراوانی ارزش به نمایش گذاشته توسط والدین و اتخاذ روش‌های تربیتی مناسب می‌باشند. خصیصه‌های شخصیتی مثبت یا منفی تنها از

خانواده و یا اجتماع گرفته نمی‌شود، بلکه مدارس نیز در این زمینه نقش دارند. معلمان در این زمینه مهارت‌های مهم را با تمرکز بر بهبود و اصلاح ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان و آموزش آنها برای توسعه روابط انسانی و اینکه افرادی قابل احترام برای مردم باشند، فراهم می‌سازند.<sup>۱۹</sup>

مدرسه به منزله یک مرکز تربیتی جامعه، در جنبه‌های مختلف زندگی و رشد منش اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر فراوان دارد. آماده کردن شاگردان برای برخورد با اجتماع و کسب مهارت‌های لازم جهت شرکت در زندگی اجتماعی به وسیله مدرسه صورت می‌گیرد. مدرسه یک نظام اجتماعی است که سه نقش و مشخصه اصلی دارد: مدیریت مدرسه، معلم و شاگرد. این نقش‌ها قسمتی از سازمان رسمی مدرسه است که باید محیط مدرسه را نیز به آن افزود. محیط مدرسه همان جو روانی - اجتماعی مدرسه است که به نوعی بخش زیادی از شخصیت احساسی، رفتاری و فکری دانش‌آموزان را در بر می‌گیرد. اگر بر روابط معلم و شاگرد، مدیریت و شاگرد و محیط و شاگرد، ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده جامعه و والدین حاکمیت داشته باشد، به جریان هویت‌یابی جوانان بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده کمک خواهد کرد.<sup>۲۰</sup>

سه راه اساسی برای انتقال ارزش‌های اخلاقی در مدارس وجود دارد: الف) برنامه درسی (رسمی و غیررسمی)؛ ب) برنامه درسی پنهان؛ ج) تعاملات شخصی بین معلمان و دانش‌آموزانشان.<sup>۲۱</sup>

همچنین تجربیاتی که دانش‌آموزان در میان همسالان خود کسب می‌کنند، مانند بازی‌ها و کارهای گروهی، می‌تواند در رشد اخلاقی آنها مؤثر باشد. با اینکه مدرسه یک مؤسسه اجتماعی است و خواه‌ناخواه تحت تأثیر زندگی جمعی و آنچه در آن جریان دارد قرار می‌گیرد، انتخاب مواد و به کار بردن روش‌های معین تعلیماتی می‌تواند این واحد اجتماعی را به صورت خاص درآورد. مدرسه باید

نفوذ عوامل گروهی یا طبقه‌ای را در رفتار افراد کم کند و همه را با توجه به مهارت‌های اجتماعی و مبانی تربیتی متوجه ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی کند.<sup>۲۲</sup> کهلبرگ معتقد است محیط‌های آموزشی مانند مدارس، باید در تربیت اخلاقی، نقش واضح نمودن ارزش‌های اخلاقی را ایفا کنند.<sup>۲۳</sup>

### تدوین محتوا در برنامه‌درسی اخلاق‌مدار

کهلبرگ و مایر، سه رویکرد اساسی دربارهٔ تدوین محتوا معرفی کرده‌اند:

۱. **رویکرد تلقینی:**<sup>۲۴</sup> این رویکرد متضمن یک محتوای توجیه شده است (مانند فهرستی از رفتارهای اخلاقی و ارزش‌ها) که توسط روش‌های مختلف، آموزش داده می‌شود. رویکردهای قدیمی پرورش منش، در این طبقه قرار می‌گیرند. هسته اصلی محتوا در این رویکرد، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و فضیلت‌هاست.

۲. **رویکرد رومانیتیک‌گرا:**<sup>۲۵</sup> در این رویکرد، شخص تمایل ذاتی به توسعه یک عامل اخلاقی دارد. نقش آموزش، فراهم کردن زمینه پرورشی می‌باشد. قرار دادن یک محتوای ویژه در این روش ممنوع شده است. نمونه‌ای از این رویکرد، رویکرد تبیین ارزش‌هاست. این رویکرد، از فراهم کردن محتوای اخلاقی دوری می‌کند و محتوا را برای هر شخص، منحصر به فرد و پنهان مطرح می‌کند.

۳. **رویکرد ساختاری-شناختی:**<sup>۲۶</sup> این رویکرد بر قابلیت‌های ساخت استدلال اخلاقی که نتیجه‌ای از تعامل بین موهبت‌های ژنتیکی و زیستی با تجربیات شخص در جهان اجتماعی و مادی است، متمرکز می‌باشد. با تمرکز بر ساخت‌های استدلال و فرآیندهای تصمیم‌گیری، محتوا مورد غفلت قرار گرفته است. برنامه‌درسی، محتوای مشخصی را در نظر نگرفته است، بلکه فرصت‌هایی را برای به کار بستن استدلال شخص در محتواهای متنوع فراهم می‌سازد. مدارس

کهلبرگ، نمونه‌ای از این رویکرد هستند. این رویکرد، محتوا را ابزاری تربیتی می‌داند.

برای مربیانی که تمایل به معرفی فهرستی از ارزش‌ها دارند، دو راهبرد مهم وجود دارد: الف) توسط کمیته‌هایی متشکل از مدیران، معلمان، والدین و دانش‌آموزان یک توافق عام ایجاد گردد که این رویکرد بسیار رایج است؛ ب) معرفی یک مجموعه از ارزش‌ها و خصیصه‌های شخصیتی جهانی؛ بر اساس تحلیل‌های فلسفی؛ برای مثال، فلسفه اخلاق در توجیه ارزش‌هایی مانند مراقبت، مسئولیت، احترام، اعتماد و خانواده به کار گرفته می‌شود.<sup>۲۷</sup>

راه حل اصلی این است که جامعه اسلامی ما و نظام تعلیم و تربیت اسلامی، ارزش‌های الهی و اسلامی خود را با در نظر گرفتن فلسفه آنها و بر اساس مبانی اندیشه اسلامی تنظیم کند. صرف نظر از موضوعی که تدریس می‌شود، ارزش‌های الهی باید به منزله جنبه جدایی‌ناپذیر یادگیری‌ها تلقی شود. می‌توان از داستان‌ها، نوارهای ویدیویی که در مورد ارزش‌ها بحث می‌کنند، مواد آموزشی که مسائل اخلاقی را روشن می‌سازند و بحث‌های کلاسی را بر می‌انگیزند و از مقالات روزنامه‌ها و مجلات درباره ارزش‌ها استفاده کرد.<sup>۲۸</sup>

#### ابعاد دیدگاه اخلاق‌مدار در برنامه درسی

دیدگاه برنامه درسی، یک موضع‌گیری اساسی درباره یاددهی و یادگیری و ابعاد گوناگون نظری و عملی است.<sup>۲۹</sup> با توجه به رویکردهای تربیت اخلاقی، ابعاد اصلی دیدگاه برنامه درسی اخلاق محور بدین شرح می‌باشد:

آرمان‌های تربیتی: پرورش منش و استدلال اخلاقی و همچنین مهارت‌های اجتماعی؛

**تلقی نسبت به یادگیرنده:** به یادگیرنده به منزله فردی نگریسته می‌شود که در صورت فراهم‌بودن شرایط، می‌تواند استعداد عقلانی خود را در برخورد با مسائل اخلاقی، از طریق استدلال اخلاقی به کار گیرد.

**تلقی نسبت به فرآیند یادگیری:** در محتوای دروس مختلف باید فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شود تا درونی‌شدن ارزش‌ها در آنها در مقام شناخت، احساس و عمل ایجاد گردد. همچنین با روش یادگیری مشارکتی در گروه‌های کوچک، به جای یادگیری رقابتی، دوستی‌ها بین دانش‌آموزان تقویت می‌گردد. یادگیری یک فرآیند تعاملی میان یادگیرنده و محیط است.

**تلقی نسبت به فرآیند آموزشی:** محتوای موضوع‌های درسی، از مسائل زندگی تشکیل می‌شود. در بحث‌های کلاسی، معلمان و شاگردان از روش‌های دیالکتیکی، استقرایی، قیاسی و یا حل مسئله استفاده می‌کنند.

**تلقی نسبت به محیط یادگیری:** محیط باید دارای شرایط زیر باشد: الف) روابط نزدیک و صمیمی دست‌اندرکاران مدرسه با دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با یکدیگر؛ ب) فراهم ساختن جوی مطمئن برای بیان دیدگاه‌های دانش‌آموزان که عدالت را حامی و تضمین‌کننده حقوق افراد می‌دانند؛ ج) همکاری معلمان با یکدیگر و عمل کردن به عنوان یک کل؛ د) ایجاد زمینه مناسب برای انجام و تشویق رفتارهای عادلانه دانش‌آموزان در کلاس و یا خارج از کلاس.

### نقش معلم

- معلم باید درک و فهم عمیقی از مسائل اخلاقی داشته باشد؛
- معلم با رفتار عملی خود برای درونی‌ساختن ارزش‌ها در دانش‌آموزان می‌کوشد؛

- فعالیت‌های فوق برنامه و خارج از مدرسه مانند بازدید از مراکز خیریه و کمک به آنها برای پرورش اخلاق نوع دوستی انجام می‌دهد؛
- معلم باید به منزلهٔ مسئول، تسهیل‌کننده و مربی انجام وظیفه کند تا کارشناس امور اخلاقی؛
- فرصت‌هایی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا دربارهٔ انتخاب‌ها و اعمال خویش فکر کنند؛
- برنامه‌هایی برای بهبود روابط بین فردی از قبیل مهارت‌های کلامی و غیرکلامی، مهارت گوش دادن و همچنین آموزش جرئت ورزی، اعتماد به نفس و پرورش حس احترام و قدرشناسی در دانش‌آموزان تنظیم می‌کند؛
- برای عملی کردن آموخته‌های اخلاقی دانش‌آموزان برنامه‌ریزی می‌کند.
- برای خوش‌آمدگویی به دانش‌آموزان جدید و راهنمایی آنها به کلاس برنامه دارد؛
- زمینهٔ مناسب را برای انجام و تشویق رفتارهای عادلانه دانش‌آموزان در کلاس و یا خارج از کلاس درس فراهم می‌سازد؛
- از عکس‌ها، داستان‌ها، اشعار و زندگی‌نامه‌ها استفاده و دانش‌آموزان را به تفکر دربارهٔ مسائل اخلاقی تشویق می‌کند.
- ضمن بحث‌های کلاسی برای دانش‌آموزان، آگاهی دانش‌آموزان را دربارهٔ پیامدهای عمل اخلاقی و غیراخلاقی افزایش می‌دهد.
- هدایت بحث‌هایی راجع به یک کتاب به خصوص و درگیر ساختن آنها در پیام اخلاقی آن از این طریق که به جای پرسیدن این پرسش که نتیجه اخلاقی این داستان چیست؟ پرسش‌های دیگری پرسیده شود؛ مانند: الف) شخصیت اصلی داستان چگونه شخصیتی است؟ ب) در مورد نویسنده چه فکری می‌کنید؟

ج) چرا نویسنده این کتاب را نوشته است؟ (د) نویسنده قصد داشته است به خواننده چه بگوید؟

- در آموزش علوم، هر جایی که مناسب باشد نکات اخلاقی موضوع بیان می‌شود؛ دانش‌آموزان باید بدانند اخلاق فقط مربوط به علوم انسانی نیست؛  
- در کلاس‌های ریاضی، دانش‌آموزان متوجه عاداتی مانند شجاعت و سخت‌کوشی می‌گردند که از ویژگی‌های یک دانش‌آموز موفق است؛ قوانین کلاسی و تکالیف منزل، منعکس‌کننده این عادات است.

**تلقی نسبت به ارزش‌یابی از آموخته‌ها:** کانون توجه ارزش‌یابی مهارت‌های استدلال اخلاقی در تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت در بحث‌های اخلاقی است. در ارزش‌یابی، نکته اصلی این است که تا چه حد دانش‌آموزان از عهده تبیین استدلال خود چه به صورت مکتوب و چه به صورت شفاهی بر می‌آیند. در ارزش‌یابی از کار دانش‌آموزان، بازخورد کافی و به موقع به آنها داده می‌شود و معلم نشان می‌دهد به پیشرفت آنها علاقه‌مند است.

### چگونگی تلفیق اخلاق در برنامه‌دستی

برنامه‌ریزی درسی، یکی از اساسی‌ترین پایه‌های آموزش و پرورش هر کشوری را تشکیل می‌دهد. در این مرحله از فرایند آموزش است که اهداف مورد نظر نظام آموزشی قالب‌ریزی می‌شود و در چهار چوبی سازمان‌یافته و قابل اجرا در اختیار مجریان امر آموزش و پرورش قرار می‌گیرد. امروزه پژوهش‌های انجام شده در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی نشان می‌دهد که در ورای متون و مواد آموزشی، مسائل فلسفی، سیاسی، اجتماعی و... مورد نظر صاحب‌نظران و متولیان اداره‌کشورها گنجانده می‌شود و نسل‌های آینده (دانش‌آموزان) به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (پنهان و آشکار) با آنها آشنا می‌شوند. دهه‌نود، شاهد تلاش‌های

بسیاری برای رشد اخلاقیات در مؤسسات آموزشی بوده است. با بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه تربیت اخلاقی در برنامه درسی، می‌توان به این نتیجه کلی رسید که به چهار روش می‌توان استدلال اخلاقی را در برنامه درسی ارائه کرد:

۱. مباحثه راجع به یک مشکل:<sup>۳۰</sup> آموزش به روش‌های فلسفی از جمله برنامه درسی آموزشی<sup>۳۱</sup> مانند بحث‌هایی پیرامون یک مشکل خاص می‌تواند در استدلال اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر بسزایی داشته باشد.<sup>۳۲</sup>

۲. قراردادن تجربیات یادگیری با تمرکز بر اخلاق در برنامه درسی و یا قرار دادن مفاهیم اخلاقی مرتبط با هر درس در دروس مختلف؛ همچنین در برنامه درسی غنی از اخلاقیات،<sup>۳۳</sup> محتوای اخلاقی در برنامه درسی به طور عمودی سازماندهی می‌شود، به عبارت دیگر، تجربیات یادگیری با تمرکز اخلاقی در دروس موجود در هر پایه وجود دارد.<sup>۳۴</sup>

۳. در برنامه درسی اخلاق محور،<sup>۳۵</sup> برنامه درسی شامل چندین درس با یک محتوای با اهمیت اخلاقی می‌باشد. در این برنامه سمینارهایی با محتوای ویژه اخلاقی و جلسات با گروه‌های کوچک با نظارت معلم و با تمرکز بر یک موضوع اخلاقی در برنامه درسی گنجانده می‌شود. نتایج بیانگر آن است که این برنامه درسی در رشد استدلال اخلاقی<sup>۳۶</sup> در فراگیران تأثیر مثبت داشته است.<sup>۳۷</sup> همچنین افزایش استدلال اخلاقی که در طی تحصیل اتفاق می‌افتد، بعد از سال‌های فراغت از تحصیل نیز به قوت خود باقی می‌ماند.<sup>۳۸</sup>

۴. برنامه درسی بر اساس قابلیت‌ها؛ برنامه درسی قابلیت - محور، یک مجموعه به هم پیوسته از آموزش عمومی و دروس منظم است. در این برنامه کوشش می‌شود تجربیات یادگیری علوم انسانی و اجتماعی در دوره‌ها فراهم



شود که این امر می‌تواند قابلیت‌های دانش‌آموزان را در مهارت‌هایی مانند برقراری ارتباط، تجزیه و تحلیل، حل مسئله، ارزش‌گذاری و تصمیم‌سازی افزایش دهد.

در موارد مزبور، مسائل اخلاقی جزئی درونی از برنامه در تمامی مقاطع هستند و می‌توانند جزء برنامه هر کلاسی باشند. همچنین یادگیری از طریق تجربیات واقعی و اجتماعی، یادگیری مشارکتی و مشورت، بحث و شرح دادن هم کلاسی‌ها با یکدیگر در برنامه درسی وجود دارد. در میان پست‌مدرنیست‌ها، رورتی<sup>۳۹</sup> بیشتر از بقیه در مورد مسائل اخلاقی، بر گفتمان یا محاوره تأکید می‌ورزد. گفتمان به چند دلیل مهم است؛ از جمله اینکه باعث درک بهتر موقعیت و نیازهای دیگران می‌شود؛ باعث ارائه نصایح بهتر به آنها می‌شود و می‌توان از طریق بازخوردهایی که دیگران درباره ارزش‌هایمان به ما می‌دهند، چیزهای زیادی آموخت.<sup>۴۰</sup>

نکته قابل توجه در تمام تلاش‌های انجام شده این است که برای رسیدن به هدف اساسی تربیت اخلاقی، راهی جز پرورش و رشد دادن توانایی فهم و درک فراگیران از ارزش‌های اخلاقی و رفتارهای درست و نادرست وجود ندارد. اصولی را درباره پرورش اخلاق معرفی می‌کند که عبارتند از:

۱. تربیت اخلاقی باید ارزش‌های واقعی اخلاقی را که پایه یک شخصیت خوب هستند فراهم سازد؛

۲. تربیت اخلاقی باید رویکردی جامع، منظم و هدفمند در رسیدن به ارزش‌های مهم در کل مدرسه داشته باشد؛

۳. تربیت اخلاقی باید تفکر، احساس و عمل را پرورش دهد؛

۴. مدرسه باید یک پایگاه مهم برای پرورش اخلاق باشد؛

۵. دانش‌آموزان باید فرصت‌هایی را برای اجرای ارزش‌های اخلاقی داشته باشند؛

۶. تمام دست‌اندرکاران مدرسه باید جو آموزشی را مرتبط با ارزش‌های یکسان و تقسیم مسئولیت پرورش اخلاق و هدایت دانش‌آموزان در فرآیند آموزشی توسعه بخشند؛

۷. وجود رهبران اخلاقی چه در میان معلمان و چه در میان دانش‌آموزان برای پرورش اخلاقی ضروری هستند؛

۸. مدرسه باید شرایطی را برای سهیم شدن خانواده‌ها و اجتماع در تربیت اخلاقی فراهم سازد؛

۹. باید از فعالیت‌های مدرسه در حمایت از تربیت اخلاقی دانش‌آموزان حمایت و سپاسگزاری شود.<sup>۴۱</sup>

### نتیجه‌گیری

برای دستیابی به هدف تربیت اخلاقی، لازم است مدرسه و کلاس درس به محیطی تبدیل گردد تا دانش‌آموزان بتوانند دربارهٔ معضلات اخلاقی تأمل کنند و با تصمیم‌گیری جمعی مبتنی بر عدالت و انصاف آشنا شوند. بدین ترتیب، توانایی درک و فهم استقلال اخلاقی دانش‌آموزان به سطوح بالاتر ارتقا می‌یابد. روابط نزدیک، صمیمی و همراه با احترام بین دانش‌آموزان و دست‌اندرکاران مدرسه موجب می‌شود دانش‌آموزان محیط مدرسه را امن، عادلانه و مشوق یادگیری بدانند. باید از تأثیر تربیت اخلاقی ارزیابی مداوم صورت بگیرد. دانش‌آموزان باید در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها درگیر باشند.<sup>۴۲</sup> اخلاق عدالت، مراقبت و توجه به دیگران، همزیستی مسالمت‌آمیز و عدالت اجتماعی، فضیلت‌های اخلاقی هستند که باید آنها را در دانش‌آموزان رشد داد. تربیت اخلاقی باید در داستان‌ها،

کارهای هنری، ادبیات و زندگی‌نامه‌های تاریخی بروز کنند. از سوی دیگر، نمایش‌ها، داستان‌ها، فعالیت‌های دستی، پروژه‌های اجتماعی و کارهای کلاسی می‌تواند در رشد اخلاقی مؤثر باشد. آشنایی با زندگی حیوانات و رفتارهای آنها از قبیل خانه‌سازی و مبارزه با دشمن، می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری را در دانش‌آموزان ایجاد کند.<sup>۴۳</sup>

همچنین طرح داستان‌های نیمه تمام - تا جایی که دانش‌آموزان را در مقابل یک دو راهی یا بن‌بست قرار دهد - می‌تواند در آموزش‌های اخلاقی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۴۴</sup>

کهلبرگ برای مطالعه رشد اخلاقی کودکان، داستان‌های اخلاقی تعریف می‌کرد و از آنها می‌خواست در این باره که رفتار شخصیت‌های داستان، چرا و تا چه اندازه خطا بوده است، توضیح بدهند. او آزمودنی‌های خود را در برابر مسائل دشوار اخلاقی قرار می‌داد تا بدین طریق پاسخ‌های آزاد و چگونگی استدلال و داوری آنان را تجزیه و تحلیل کند.<sup>۴۵</sup>

کار فلسفه در عصر ما، بررسی ارزش‌ها یا آنچه در یک اجتماع یا اجتماعات انسانی با ارزش تلقی می‌شود، است. آنچه در زمینه گسترش میراث فرهنگی، در بهبود روابط انسانی و در تحکیم حقوق و آزادی‌های فردی و حفظ آرمان‌های بشری به وسیله فیلسوفان مشخص و روشن می‌گردد، پایه و اساس ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد.

می‌توان به این نتیجه رسید که ایجاد روح فلسفی در کودکان و یا به کار بردن روش‌های فلسفی مانند قیاس و استقرا می‌تواند در آموزش ارزش‌های اخلاقی همراه با تفکر و استدلال‌های اخلاقی عمیق بسیار مؤثر باشد. هر کدام از روش‌های مزبور در رشد قوه بیان، پرورش قوه استدلال، ارزیابی عقاید مختلف و

روشن ساختن مفاهیم و قضاوت‌ها و مبانی ارزشی آنها به شاگردان کمک می‌کند. آشنایی با فعالیت‌های فلسفی مثل تحلیل مفاهیم و افکار، ارزیابی نظریات، تفسیر عقاید و چگونگی ارزش‌ها، برای معلم و شاگرد مفید می‌باشد. کوشش برای گسترش روح فلسفی در میان شاگردان، از هدف‌های اساسی تعلیم و تربیت است.<sup>۴۶</sup>

استفاده از برنامه‌های درسی مسئله‌محور یا روش حل مسئله، نه تنها موجب دستیابی دانش‌آموزان به مجموعه‌ای از هدف‌های ناظر بر رشد عقلانی می‌شود، بلکه حل مسئله به صورت گروهی، بستری مناسب برای دستیابی به بسیاری از هدف‌های ناظر به تربیت اخلاقی مانند مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دیگران، ارزش‌گذاری به کار دیگران و در نظر گرفتن عدالت در بحث و گفت‌وگو خواهد بود.<sup>۴۷</sup> همچنین، آنچه معلم در زمینه تعلیماتی شاگردان، درباره اظهار نظرها و قضاوت‌ها، در ارزش‌سنجی کار شاگردان و فعالیت‌های گروهی انجام می‌دهد، جنبه اخلاقی دارد.<sup>۴۸</sup> کودکان تنها از طریق دریافت اصول و قواعد اخلاقی قادر نخواهند بود چگونگی درست رفتار کردن را بیاموزند. با این وجود، این امر وقتی شدنی است که یک رویکرد واقع‌بینانه به ارزش‌ها اتخاذ گردد. لحظه‌ای که دانش‌آموزان احساس کنند مطالعه یک موضوع درسی برای القای یک موضوع ارزشی ویژه، که مورد قبول آنها نیست، مورد استفاده قرار می‌گیرد، علاقه خود را به مطالعه از دست می‌دهند.<sup>۴۹</sup>

پرورش منش باید جزئی از فرهنگ مدرسه و کلاس درس باشد. معلمان باید با یکدیگر همکاری داشته باشند و به عنوان یک کل عمل کنند. باید فرصت‌هایی در اختیار دانش‌آموزان قرارگیرد تا درباره انتخاب‌ها و اعمال خویش فکر کنند. بحث‌های کلاسی بین دانش‌آموزان با نظارت معلم، رشد آگاهی دانش‌آموزان را از پیامدهای عمل اخلاقی و غیراخلاقی بالا می‌برد.

باید ضمن برگزاری جشن میلاد افراد اسوه مانند پیامبران و امامان، در مراسم‌های مذکور درباره ویژگی‌های اخلاقی و زندگی‌نامه آنها صحبت شود. زندگی و رفتارهای اخلاقی بزرگسالان و معلمانی که برای آنها الگو هستند، باید در قالب داستان، فیلم و رسانه‌های جذاب به آنها ارائه گردد؛ برای دانش‌آموزان زمینه مناسب برای انجام و تشویق رفتارهای عادلانه در کلاس و یا خارج از کلاس درس فراهم شود؛ باید به آموزش معلمان و تأکید بر استفاده از نکات اخلاقی حین تدریس دروس مختلف به منزله یک امر مهم پرداخته شود؛ خصوصیات روح فلسفی در میان کودکان از طریق آشنایی معلمان با ریشه‌های فلسفی ارزش‌ها و چگونگی عملیاتی کردن آن در فراگیران، گسترش یابد؛ دست‌اندرکاران مدارس باید نقاط قوت و ضعف را تشخیص داده و راهبردهای مختلف را برای بالا بردن آگاهی، پرورش درک و تفکر و سپس تشویق رفتار به وجود آورد.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. محمود مهرمحمدی، برنامه‌دستی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، ص ۱۷۳.
۲. علی شریعتمداری، اصول فلسفه و تعلیم و تربیت، ص ۱۱۵.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۱.
۴. احمد دیلمی و دیگران، اخلاق اسلامی، ص ۲۳۳.
۵. علی شریعتمداری، اصول فلسفه و تعلیم و تربیت، ص ۱۲۱.
6. theological approach
7. scientific approach
8. psychoanalytic approach
۹. محمد داوودی، «رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی»، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی سال دوم شماره دوم، ص ۱۷۵ - ۱۵۳.
۱۰. خسرو باقری، مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی (نقد تطبیقی علم اخلاق و روان‌شناسی معاصر)، ص ۱۰۵ - ۸۱.
11. character education
12. Bohlin, K, Farmer, D & Ryan, K, Bulding character in school. San Francisco: Jossey-Bass.
13. Robinson, E. H, Jones, K. Doyle & Hayes, B. Grant, Humanistic education to character education: An ideological journey. Journal of humanistic counseling education and development. Vol. 39, issue 1, P.21.

14. Edgingon, W, To promote character education, use literature for children and adolescents. The social studies. vol93. issue3, P.113-116.
15. Powney, J., Cullen, M., Schlapp, U., Glissov, P. & Munn, P, Understanding values education in the primary school. (P.1)
16. reasoning
17. power assertion
18. Grousc, J, & Goodnow, J, Impact of parental discipline methods on the child internationalization of value. A reconceptualization of current points of view, developmental psychology, vol.30, No 1.
19. Sharp, K, Bulding character, Discovering and developing character traits, *Journal of school health*, Vol.72, issue 7, P303-304.
۲۰. بهرام بیات، بحران هویت، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۴۸.
21. Powney, J, Cullen, M, Schlapp, U, Glissov, P & Munn, P, 1995, Understanding values education in the primary school, P.1.
۲۲. علی شریعتمداری، اصول فلسفه و تعلیم و تربیت، ص ۱۱۷.
۲۳. سوسن سیف، و دیگران، روان شناسی رشد. ج ۱، ص ۹۱-۱۰۴.
24. indoctrinative approach
25. romanticist approach
26. cognitive- structural approach
27. Bercowitz, M, Integrating structure and content in moral education, Available: <http://tigger.uic.edu/~Inuncci/MoralEd/article/berkowitzintegration.html.2007/11/28>
۲۸. محسن طالبزاده نوبریان و دیگران، مباحث تخصصی برنامه ریزی درسی، ص ۷۱.
۲۹. محمود مهرمحمدی، برنامه درسی، نظرگاهها، رویکردها و چشم اندازها، ص ۲۳۷.
30. dilemma discussion
31. didactic curriculum
32. Penn, W, Teaching ethics, A direct approach, Journal of moral education, 19,P124-138.
33. ethics-enriched curriculum
34. Duckett, L, & Ryden, M, Education for ethical nursing practice In J.Rest & D Narvaez (Eds) Moral development in the professions: Psychology and ethics, P48-66.
35. ethics- oriented curriculum
36. principled reasoning
37. McNeel, S, Schaffer, M.,& Juarez, M, Growth in moral judgment among baccalaureate nursing student Research on christian higher education, 4, P.29-45.
38. Pascarella, Ernest T.,& Terenzini, Patrick T, How college affects students. 2ed. P.370.
39. Rorty
۴۰. محسن طالبزاده نوبریان و دیگران، مباحث تخصصی برنامه ریزی درسی، ص ۷
41. Douglas, J, Character education citizenship education and the social studies, The Social Studies, vol.93, issue3, P103-108.
42. Mckay, L, Character education with a plus. The education digest: An Arbor, vol.68, issue4, P45-50.
43. Charlene, C, Creatures of character: Winning with character education, Professional school counseling, Vol.1, issue 2, P19.
۴۴. محمود مهرمحمدی، برنامه درسی: نظرگاهها، رویکردها و چشم اندازها، ص ۲۳۷.

۴۵. سوسن سیف و دیگران، روان‌شناسی رشد، ج ۱، ص ۹۱-۱۰۴.
۴۶. علی شریعتمداری، اصول فلسفه و تعلیم و تربیت، ص ۱۱۵.
۴۷. محمود مهرمحمدی، برنامه‌درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، ص ۲۳۷.
۴۸. علی شریعتمداری، اصول فلسفه و تعلیم و تربیت، ص ۱۱۵.
۴۹. محسن طالبزاده نوبریان و دیگران، مباحث تخصصی برنامه‌ریزی درسی، ص ۷۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- امامی، محمدجعفر و دیگران، *نهج البلاغه* با ترجمه گویا و شرح فشرده، ۱۳۷۹.
- باقری، خسرو، *مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی* (نقد تطبیقی علم اخلاق و روان‌شناسی معاصر)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- بیات، بهرام، *بحران هویت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۸. — داوودی، محمد، «رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی، سال دوم، ش ۲، ۱۳۸۵.
- دیلمی، احمد و دیگران، *اخلاق اسلامی*، تدوین: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.
- سیف، سوسن و دیگران، *روان‌شناسی رشد*، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- شریعتمداری، علی، *اصول فلسفه و تعلیم و تربیت*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- طالب‌زاده نوبریان، محسن و دیگران، *مباحث تخصصی برنامه‌ریزی درسی*، تهران، آبیژ، ۱۳۸۱.
- مهرمحمدی، محمود، *برنامه درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها*. مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
- مهرمحمدی، محمود، *برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات*. تهران، آبیژ: انجمن برنامه‌ریزی درسی ایران، ۱۳۸۳.
- Bohlin, K; Farmer, D & Ryan, K, Bulding character in school. *San Francisco: Jossey- Bass*, 2001.
- Bercowitz, M, *Integrating structure and content in moral education*, 1997 Available: <http://tigger.uic.edu/~Inuncci/MoralEd/article/berkowitzintegration.html>.2007/11/28
- Charlene, C, *Creatures of character: Winning with character education*, Professional school counseling, vol.1, issue 2, P.19, 1997.
- Douglas, J, *Character education citizenship education and the social studies*, The Social Studies.vol.93, issue3, P.103-108, 2002.
- Duckett, L., & Ryden, M, *Education for ethical nursing practice*. In J.Rest & D. Narvaez (Eds.) *Moral development in the professions: Psychology and ethics*, P.48-66, 1994.
- Edgingon, W, *To promote character education, use literature for children and adolescents*, The social studies, Vol.93. issue3, P.113-116, 2002.
- Grousc, J., & Goodnow, J, *Impact of parental discipline methods on the child internationalization of value: A reconceptualization of current points of view, developmental psychology*. Vol.30, No 1, 1994.
- Mckay, L, *Character education with a plus*, *The education digest: An Arbor*, Vol.68, issue 4, P45-50, 2002.



- McNeel, S. Schaffer, M. ,& Juarez, M, *Growth in moral judgment among baccalaureate nursing student. Research on christian higher education*, 4, P.29-45, 1997.
- Mentkowski, M., & Associate, *Learning that lasts: Interpreting learning, development, and performance in college and beyond. San Francisco: Jossey - Bass*, 2000.
- Pascarella, Ernest T.,& Terenzini, Patrick T, *How college affects students*, 2ed. P.370, 2005.
- Penn, W, *Teaching ethics: A direct approach, Journal of moral education*, 19, P.124-138, 1990.
- Powney, J., Cullen, M., Schlapp, U., Glisso, P. & Munn, P, *Understanding values education in the primary school*, P.1, 1995.
- Robinson, E. H, Jones, K. Doyle & Hayes, B.Grant, *Humanistic education to character education: An ideological journey, Journal of humanistic counseling education and development*, Vol.39, issue 1, P.21, 2000.
- Sharp, K, *Bulding character: Discovering and developing character traits. Journal of school health*, Vol.72, issue 7, P.303-304, 2002.

